

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرّسی طباطبائی نردوی دست برکات

دوره‌ی دوم - سال دهم - سال تحصیلی ۹۲-۹۳

جلسه ششم - یکشنبه ۹۲/۷/۷

بیان دوم

مرحوم شیخ بیان دیگری در لزوم احتیاط در اقل و اکثر ارتباطی تحت عنوان «إن قلت»^۱ مطرح کرده‌اند و سپس بدان پاسخ داده‌اند، اما برخی آن بیان را اخذ کرده‌اند و به عنوان یک وجه برای عدم جریان براءت و لزوم احتیاط تثبیت نموده‌اند و پاسخ شیخ را نپذیرفته‌اند. خلاصه‌ی آن بیان از این قرار است:

گاهی مولا که به معجون و مرکبی امر می‌کند، در حقیقت غرض اصلی او تحقّق یک عنوان است که باید محقّق بشود و گاهی نیز امر به مرکبی می‌کند ولی می‌دانیم دارای غرض معینی است. تفاوت صورت اول با دوم در این است که در صورت اول در حقیقت همان عنوان تحت امر رفته است، به خلاف صورت دوم که غرض مولا تحت امر نرفته است و همان مرکب تحت امر رفته است، إلا اینکه می‌دانیم شارع امر را روی مرکب آورده است تا آن غرض محقّق شود.

به عنوان مثال، ممکن است مولایی امر به معجونی کند که عنوان مسهلیت صغرا را محقّق می‌کند و در حقیقت امر به تحقّق مسهلیت صغراست، و گاهی امر به معجونی کرده است ولی می‌دانیم غرض او از این امر، تنها مسهلیت صغراست و امر به مرکب مذکور برای تحقّق این غرض است. در چنین مواردی عقل

۱. فرائد الاصول (ط - دفتر انتشارات اسلامی)، ج ۲، ص ۴۶۱:

فإن قلت إن الأوامر الشرعية كلها من هذا القبيل لا يتناها على مصالح في الأمور به فالمصلحة فيها إما من قبيل العنوان في الأمور به أو من قبيل الغرض و بتقرير آخر المشهور بين العدلية أن الواجبات الشرعية إنما وجبت لكونها أظافاً في الواجبات العقلية فاللطف إما هو الأمر به حقيقة أو غرض للأمر فيجب تحصيل العلم بحصول اللطف ولا يحصل إلا بإتيان كل ما شك في مدخليته.

حکم به لزوم احتیاط عندالشکّ در مقدار ترکیب مرکّب می‌کند؛ بدین معنا که اگر مکلف شک کند که مولا امر به معجون ۵ یا ۶ جزئی کرده است، عقل حکم می‌کند باید کاری کرد که یقیناً آن عنوان یا غرض محقق شود؛ یعنی باید احتیاط کرد.

بنابراین اگر امر به مرکّب به مثابه امر به یک عنوان باشد یا امر به مرکّب همراه علم به غرض مولا از امر به مرکّب باشد و شک کنیم مرکّب مذکور اقل است یا اکثر، به حکم عقل احتیاط لازم است؛ زیرا از مصادیق شکّ در محصل است.

و از آنجا که طبق مسلک فرقه‌ی حقه‌ی محقه افعال خداوند متعال معلّل به اغراض است و ذات حضرت حق جلّ و علا از فعل لغو دور است، احکام خداوند تابع ملاکاتی است که آن ملاکات، اغراض جعل احکام است و خداوند حکمی بدون ملاک و غرض ندارد.

حال که همه‌ی احکام دارای غرض است، از آنجا که می‌دانیم هرگاه غرض مولا معلوم باشد و در تحصیل آن غرض شک شود باید احتیاط کرد، در نتیجه در تمام موارد شکّ در اقل و اکثر باید احتیاط شود؛ زیرا در واقع به شکّ در محصل باز می‌گردد که مجرای احتیاط می‌باشد.

در میان شیعه این عبارت معروف است که «الواجبات الشرعية الطاف فی الواجبات العقلية». معنای آن این است که هر حکم لازم الامتثالی مصداقی از لطف است، و لطف و رحمت از صفات قطعیه‌ی پروردگار است، چنان‌که خداوند فرموده است: ﴿كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ﴾؛ یعنی خداوند متعال با بندگانش چنان رفتار می‌کند که هر آنچه موجب قرب بندگان به او و بُعد آنها نسبت به دوزخ است انجام می‌دهد، مانند ارسال انبیاء و انزال کتب و نصب امام. البته این لطف، مادامی است که به حدّ الجاء نرسد و مخالف غرض تکمیل اختیاری انسان نباشد. این لطف مقتضای حکم عقل و نقل است و از مصادیق این لطف، واجبات و محرّمات است؛ مثلاً خداوند متعال که نماز را واجب کرده است به خاطر آن است که نماز مقربّ بندگان به خداوند است و اینکه کذب را حرام کرده است به علت مبعّد بودن اجتناب از آن، از دوزخ است. لذا گفته شده است: «الواجبات الشرعية الطاف فی الواجبات العقلية».

برخی از کسانی که قائل به برائت عقلیه هستند با این اشکال شیخ تسلیم شده‌اند و احتیاط را در اقل و اکثر پذیرفته‌اند.

پاسخ شیخ انصاری رحمته الله علیه به بیان مذکور^۱

شیخ ابتدا پاسخ شبه جدلی مطرح کرده‌اند و فرموده‌اند: در اصول باید مسائل به گونه‌ای مطرح شود که بر اساس مبانی مختلف پاسخ‌گو باشد، در حالی که بیان مذکور در مقابل اشعری‌ها فایده‌ای ندارد؛ زیرا مبنی بر آن است که افعال خداوند معلّل به اغراض است و اشعری مسلک‌ها این مبنا را قبول ندارند. روشن است که این پاسخ شبه جدلی است؛ زیرا ما به دنبال کشف واقعیات هستیم و واقع آن است که احکام خداوند معلّل به اغراض هستند. البته اغراض پروردگار همچون اغراض انسان‌ها نیست، که در مباحث کلام و فلسفه تبیین شده است.

اما پاسخ دیگر شیخ آن است که:

مکلف نمی‌تواند علم به تحصیل غرض پیدا کند، حتی اگر اکثر را اتیان کند؛ زیرا باید بر عمل مکلف امتثال صادق گردد و از جمله‌ی آنچه که در تحقق امتثال معتبر است قصد و وجه عمل است و حداقل آن است که احتمال دخالت قصد وجه در تحقق غرض وجود دارد، در حالی که مکلف نمی‌تواند قصد وجه را در اتیان اکثر انجام دهد؛ به دلیل آنکه فرض آن است که مکلف یا مرجع او فحص کرده‌اند و به دلیل معتبری که دالّ بر وجوب جزء زائد باشد دست نیافته‌اند و لذا مکلفی که جزء زائد را می‌آورد نمی‌تواند اکثر را لوجوبه اتیان کند؛ زیرا اگر به ضرس قاطع قصد وجوب کند مرتکب تشریح حرام شده است و اگر با صرف احتمال وجوب، آن را بیاورد در واقع قصد وجه نکرده است.

پس مکلف نمی‌تواند علم به تحصیل غرض مولا حاصل کند، لامحاله باید تحصیل غرض مولا را کنار بگذارد و متعلّق تکلیف را اتیان کند و متعلّق تکلیف به اقلّ واجب و اکثر مشکوک منحل می‌شود و اقل را اتیان می‌کند و در اکثر براءت جاری می‌کند.

نقد و بررسی پاسخ شیخ انصاری رحمته الله علیه

۱- این پاسخ اخصّ از مدّعی شیخ است؛ زیرا تنها در تعبدیات جاری می‌شود، ولی اگر در موردی مرکب تحت امر بود و توصّلی بود و نیاز به قصد قربت و وجه نداشت بیان مذکور جاری نیست؛ زیرا در توصّلیات با اتیان اکثر بدون قصد امر و وجه، غرض حاصل می‌شود.

۱. فرائد الاصول (ط - دفتر انتشارات اسلامی)، ج ۲، ص ۴۶۱.

۲- پاسخ دیگر مبنائی است و آن اینکه اساساً می‌دانیم قصد وجه در عبادات لازم نیست؛ چون دلیل عقلی یا نقلی بر آن اقامه نشده است، در حالی که اگر لازم بود دلیل از شارع حتماً می‌رسید لکثرة الإبتلاء و غفلت غالب مردم از آن. و فرضاً قصد وجه هم لازم باشد فرد می‌تواند با اتیان اکثر قصد وجوب کند؛ زیرا شاکله‌ی نماز به خاطر وجوبش اتیان می‌شود، کما اینکه بسیاری از مردم نماز را به قصد وجوب می‌آورند با این حال دارای اجزاء مستحبی می‌باشد و لذا در شکّ در جزء دیگر نیز اگر قصد وجوب شاکله‌ی نماز گردد و اکثر اتیان شود لطمه‌ای به نماز و قصد آن نمی‌زند.

با این حال اگر گفته شود در هر جزئی باید قصد وجه آن جزء معلوم و روشن باشد، چنان‌که شیخ عبارتی را با این مضمون از علامه نقل کرده است، باید گفت این معنا قابل التزام نیست و احتمالی بسیار بعید است.

بنابراین پاسخ جناب شیخ رحمته‌الله رفع مشکل مذکور نمی‌کند و لذا کسانی که پاسخ شیخ را نپذیرفته‌اند دو دسته شده‌اند و عدّه‌ای براءت عقلیه را جاری نمی‌دانند و تسلیم اشکال شده‌اند، ولی عدّه‌ای در صدد پاسخ از اشکال مذکور برآمده‌اند.

مقرر: سید حامد طاهری